وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
تأخیر انتخابات، تشدید بحران بی ثباتی ومشروعیت
ص۲

انتخابات آینده، بین شدن ونشدن
ص۷

طالبان به جای نیزه با راکت پیام فرستادند
ص۵

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ دوازدهم | چهارشنبه ۳ سرطان ۱۳۸۳ | ۶ جمادی الأول ۱۴۲۵ - 23 June 2004

رئیس دولت پس از بازگشت امریکا در یک کنفرانس خبری:

انتخابات به تأخیر نخواهد افتاد

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان پس از بازگشت از سفرش به آمریکا در یک کنفرانس خبری در کابل برگزاری انتخابات در زمان پیش بینی شدهٔ آن تأکید کرد.

هر چند این کنفرانس خبری رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به منظور توضیح دست آورد های سفر اخیرش به امریکا برگزار شده بود اما خبرنگاران بیشتر از انتخابات و چالش های موجود بر سر راه آن پرسیدند.

آقای کرزی وجود شبه نظامیان غیر مسؤول، مواد مخدر و کندی روند خلع سلاح را از چالش های موجود بر سر راه انتخابات بر شمرد.

به گفتهٔ رئیس دولت انتقالی اسلامی، علی الرغم این که تروریستان تلاش دارند با افزایش حملات شان مانع برگزاری انتخابات در زمان تعیین شده شوند اما با این همه انتخابات خواست مردم افغانستان است و باید در زمان پیش بینی شده برگزار گردد.

لاس انجلس ټایمز:

واشنګټن باید له افغانستان نه پام بلي خواته وانه ړوي

دامریکې دلاس انجلس ټایمز ورځپاڼې امریکا ته دولسمشر کرزي دسفر په باب یو رپورټ خپور کړي چې قدرمنو لوستونکیوته ئې ځینې غټ ټکي وړاندي کوو: لاس انجلس ټایمز لیکي، واشنګټن ته دکرزي سفر په دي ټکي ټینګار وچې افغانستان دځه پاسه په دوو تیرو کلونو کي ځومره وړاندي تللي دي خو دده سفر دامریکي خلکو ته داهم وریه زړه کوله په کوم هیواد کي چې دامریکي لخوا دتروریزم پرخلاف جګړه پیل شوي هغه تر اوسه هم دهمدي جګړي ډکردی. ورځپاڼه په تیره اوونی کي دیولسو تنو چینایانو او دوه اوونی پخوا د دریو تنو بهرنیانو او دوه تنو افغانانو بي سرحد ډاکترانو د وژل کیدو په باب اندیښنه ښرګندوي او لیکي: ناټو باید دورته پینبو دمخنیوي په مقصد دسوله ساتو سرتیرو شمیره زیاته کړي، ځکه دامریکا شل زره عسکر سوله ساتونکي نه دي بلکي له ترهګرو سره جنګیږي او دملاعمر او القاعدي دمشر اسامه بن لادن دیولو په لټه کي دي. ۵مخ

کثرت گرایی افراطی

از زایش احزاب سیاسی تا افزایش کاندیداهای ریاست جمهوری!

ص۳

غور
آرامشی پس از تنش

برای حل نا آرامی های اخیر در چغچران مرکز ولایت غور یک هیأت بلند پایه از سوی دولت مرکزی به ریاست تاج محمد وردگ وزیر مشاور وعضو شورای امنیت ملی افغانستان به منظور ایجاد امنیت و کاهش تنش ها بین قوماندانان محلی وارد غور شده است. هیأت با بزرگان منطقه وطرف های درگیر وارد گفتگو شده وتلاش می کند که جوانب درگیر را پای میز مذاکره بنشاند.

گزارش های ضد ونقیضی د ردو روز اخیر ا زشهر چغچران حاکی از آن بود که دسته های خود سر نظامی به خانه های مردم، مغازه ها ودفاتر مؤسسات خارجی هجوم برده دست به چپاول زدند .اما آقای وردگ می گوید تا کنون به وی هیچ گزارشی از این سرقت ها داده نشده است . آقای وردگ همچنان اضافه نمود که دکتر ابراهیم والی غور فعلاً به وظیفه اش به حیث والی مشغول بوده ووی ا ز ژنرال احمد قوماندان فرقهٔ چهل ویک و ژنرال زمان قوماندان ص۷

ابوبکر سبزوار

به سلامت برفت و باز آمد!

نگاهی به سفر اخیر رئیس دولت

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان که به تاریخ هجدهم جوزا غرض اشتراک در کنفرانس کشور های گروه هشت به امریکا رفته بود، قبل از ظهر روز جمعه ۲۹ جوزا به کشور بازگشت.

کنفرانس کشور های گروه هشت در شهر سی آیلند ایالت جورجیای امریکا دایر گردید و در آن سران کشور های ایالات متحده، امریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، جاپان، آلمان و روسیه شرکت داشتند.مهم ترین بحث این گردهمایی موضوع اصلاحات در شرق میانه بود.

آنچه که در این سفر گذشت از بسیاری ابعاد قابل غور و دقت است.

گروه هشت که شامل هشت کشور صنعتی جهان است در این نشست روی موضوع بسیار مهم یعنی اصلاحات سیاسی در شرق میانه به توافقاتی دست یافت که برای بسیاری از کشور های بسیار نزدیک به امریکا نیز قابل قبول نبود. به عنوان مثال کشور های مصر و عربستان سعودی از شرکت در این گردهمایی خودداری ورزیدند، اما در عوض، دو رئیس جمهور، از دو کشوری که امریکا در آنها نیرو دارد در اجلاس شرکت کردند و مورد استقبال قرار گرفتند. غازی الیاور از عراق و حامد کرزی از افغانستان.

در یک کنفرانس سه روزه

شماری از جوانان خواهان به تأخیر افگندن انتخابات شدند

یک کنفرانس سه روزه در کابل در محل برگزاری لویه جرگه زیرعنوان: "جوانان افغان، دست آوردها ومحدودیت ها" تشکیل شد. این کنفرانس کار خود را در ۳۰ جوزا به پایان رسانید، در حدود دوصد نفر از برخی از مرکز و ولایات در آن شرکت ورزیده بودند.

برخی از اشتراک کنندگان موضوعات مورد بحث آن را برجسته سازی عوامل مانع بر سر راه برگزاری انتخابات خواندند. هرچند بحث های تندی میان طرفداران برگزاری انتخابات ومخالفان آن در جلسات این کنفرانس روی داده است ص۷

دولت و مشکل حاکمیت های محلی مستقل

ص۲

دولت انگلیس با طالبان گفتگو می کند

مولانا فضل الرحمن دبیر کل ائتلاف گروه های مذهبی وسیاسی "مجلس متحده عمل" پاکستان از گفتگوی غیر مستقیم انگلیس با بقایای گروه طالبان افغانستان خبر داد.

روزنامه "دان" از قول فضل الرحمن نوشت دولت انگلیس برای یافتن راه حل آبرومندانه برای قضایای افغانستان به نیابت از آمریکا وارد گفت وگوی غیر مستقیم باطالبان شده است. فضل الرحمن که رهبری جمعیت العلمای پاکستان را نیز به عهده دارد، گفت: این گفت وگو از چندی پیش آغاز یافته واکنون ادامه دارد. وی گفت: انگلیس به نیابت از آمریکا وارد این گفت وگو شده تا این فرایند برانتخابات افغانستان وآمریکا تأثیر گزار نباشد. به نوشتهٔ "دان" جک استرا و وزیر خارجهٔ انگلیس در سفر اواخر سال گذشتهٔ خود این مذاکرات غیر مستقیم را آغاز کرد و در چند روز اخیر فضل الرحمن باکسب موافقت طالبان راهی انگلیس شد تا در اقامت سه روزهٔ خود در لندن بامقامات وزارت خارجهٔ انگلیس در این باره تبادل نظر کند.

این روزنامه نوشت: فضل الرحمن قرار است ماه آینده پیش از سفر مجدد به لندن باسفیر انگلیس در اسلام آباد دیدار وگفت وگو کند وراه های مستقیم مذاکره را بررسی نماید.

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

تأخیر انتخابات، تشدید بحران بی ثباتی ومشروعیت

برگزاری انتخابات برای گذار از مرحلهٔ بحران و ایجاد یک دولت با ثبات ومشروع وپانهادن در راه نظام دموکراسی یکی از گامهایی اساسی به شمار می رود که بر آن در موافقتنامهٔ بن ومصوبات لویه جرگهٔ اضطراری واخیراً در قانون اساسی تأکید شده است.

در این روزها موجی گسترده از تبلیغات جهت جوسازی برای به تأخیر افگندن انتخابات لااقل انتخابات پارلمانی به راه انداخته شده است.

این جو سازیها گاهی در هیئت بحث های آکادمیک و زمانی به گونهٔ اجتماعات وگاهی هم به شیوهٔ میز گردهای رادیویی به خورد مردم داده می شود.

هرچند رئیس دولت هم در اثنای سفرش در آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با جرج دبلیو بوش رئیس جمهوری آمریکا و هم پس از بازگشت از آن در کنفرانسی مطبوعاتی دیگر در کابل بر برگزاری انتخابات در وقت معین آن تأکید ورزید وعدم برگزاری انتخابات پارلمانی ونداشتن پارلمان یا مجلس شوری را نقیصه یی بزرگ خواند ولی نشانه هایی وجود دارد که برخی از تحلیل گران مسائل افغانستان آنها را تلاش هایی برای به تأخیر انداختن انتخابات به ویژه انتخابات پارلمانی می دانند.

در دو هفتهٔ پیش آقای خلیلزاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا ونمایندهٔ ویژهٔ رئیس جمهور این کشور در افغانستان برای نخستین بار در جمع شماری از نمایندگان احزابی که خود را دموکرات می نامند از احتمال به تأخیر افگندن انتخابات پارلمانی سخن گفت و برگزاری آن را بسته به خلع سلاح شدن فرماندهان محلی دانست. پس از این اظهارات آقای خلیلزاد بود که این موج گستردهٔ تبلیغات برضد برگزاری انتخابات افزایش یافت به حدی که برخی عدم برگزاری آن را یک کار دموکراتیک وعادلانه گفتند!!

مخالفان برگزاری انتخابات در داخل غالباً گروهکها ودسته هایی هستند که خود را دموکرات!! می خوانند. اینان تاهنوز برای موجه نشان دادن موضع خود دلائلی از جمله بی امنی در برخی از نقاط کشور، وحاکمیت فرماندهان محلی بر بسیاری از بخش های آن، وتولید وقاچاق مواد مخدر، وعدم تحقق یافتن برنامهٔ خلع سلاح عمومی و... را ارائه کرده اند وجالب تر این که برخی از ایشان میان انتخابا، ریاست جمهوری وانتخابات پارلمانی فرق قائل شده اند، نخستین را لازم الإجراء و دموکراتیک و دومین را ممنوع الإجراء وضد دموکراسی شمرده اند!! شاید آنان این حکم را بر نتیجهٔ احتمالی این در انتخابات بنانهاده اند ونه به طرز برگزاری آنها.

وجود مسائلی که به عنوان دلائل برگزار نکردن انتخابات گفته شده است در جامعهٔ افغانستان واقعیت دارد، اما واقعاً می شود آنها را دلائلی برای این کار شمرد؟ به باور ما برخلاف نظر این آقایان با برگزاری انتخابات - ولو توأم بامشکل - وایجاد یک دولت مشروع ومردمی می توان پایه های حاکمیت ملی و امنیت را گسترش داد وباتولید وقاچاق مواد مخدر مبارزهٔ جدی کرد وجلو اقتدار فرماندهان محلی را گرفت، زیرا از عهدهٔ انجام دادن این کار تنها دولت وحکومتی می تواند به در آید که از حمایت بی دریغ پارلمانی ناشی از اراده وانتخاب مردم بهره مند باشد. کسانی که می پندارند با افزون برعمر حکومت کنونی می توانند براین چالشها غالب آیند، اشتباه می کنند، چون این دولت پس از طی دورهٔ قانونی اش دیگر از هیچ نوع مشروعیتی برخوردار نیست وتداوم آن جز گونه یی از شیوه های دکتاتوری نمی تواند باشد.

این گروهکهای مدعی دموکراسی باچنین تلاشهایی ثابت می سازند که آنها با ادعای دموکراسی جز در پی اوردن نظام های دکتاتوری نیستند؛ زیرا اکثر آنها از گذشته ها در سایهٔ حزب ها و نظام های دکتاتوری زیسته و با دکتاتوری خو گرفته و به عنوان دکتاتوری پرولتاریا به آن فخر ورزیده اند، چیزی که امروز آنان به سادگی می توانند آن را به جای دکتاتوری پرولتاریا، دکتاتوری لیبرالیستی ویا دکتاتوری سکولاریستی بنامند!!

اگر آنان راست می گویند وصادقانه در پی دموکراسی هستند بیایند بخت خویش را در شهرهایی بزرگ مانند کابل که در زیر نگین نیروهای ناتو قرار دارد، بیازمایند وپایگاه وجایگاه خود را درمیان مردم نشان بدهند وبه جای دکتاتوری پرولتاری در پی دکتاتوری سکولاریستی نباشند.

ماهمگی باید در پی به دست آوردن دلیل وبهانه یی برای به تأخیر افگندن انتخابات نکوشیم بلکه همه در جهت عادلانه ومنصفانه برگزار کردن آن تلاش ورزیم؛ چون به تأخیر انداختن آن بحران بی ثباتی را در جامعه وبحران مشروعیت را در دولت تشدید می کند.

دولت و مشکل حاکمیت های محلی مستقل

وحید مژده

همزمان با سفر حامد کرزی به ایالات متحدهٔ امریکا و مذاکرات وی با رئیس جمهور این کشور در مورد مبارزه با تروریسم، تحکیم حاکمیت دولتی ، برنامهٔ ملکی سازی و پروسهٔ ثبت نام انتخابات و مبارزه علیه مواد مخدر، دو واقعهٔ پیهم و تکان دهنده اتفاق افتاد که توجه همگان را به خود معطوف داشت.

در منطقهٔ حد فاصل میان قندز و بغلان عده یی از افراد مسلح به کمپ کارگران چینی هجوم بردند و یازده نفر را کشتند. در غور نیز ناآرامی هایی به وجود آمد و یکی از قوماندانان محلی، والی آن ولایت را از منطقه بیرون راند و اعلام نمود که تا به وی امتیازاتی معین از جانب دولت مرکزی داده نشود هرگز حاضر به اطاعت نخواهد بود.

در مورد واقعهٔ اول، رسانه های خبری دولتی بقایای طالبان و القاعده را مسؤول قلمداد کردند که اگر این ادعا را بپذیریم باید گفت که القاعده و طالبان اکنون توانسته اند راهی از جنوب و جنوب غرب به سوی شمال بگشایند واین ادعا تمام ادعا های سابق مبنی بر ضعف و ناتوانی طالبان را زیر سؤال می برد.

اما به نظر ما هر واقعه یی را به طالبان، القاعده و یا هواداران حکمتیار نسبت دادن، به معنی آن خواهد بود که این عناصر در کشور حضوری چشمگیر دارند و بدون مشارکت آنان در قدرت مشکل ناامنی در افغانستان حل نخواهد شد.

این تبلیغات می تواند ناشی از دو نوع طرز فکر باشد؛ یا ساده ساختن مشکلات پیچیده ویا کتمان حقایق. ساده ساختن عواملی که در اصل نیاز به تعمق و تحقیق بیشتر دارد، گریزگاه همه رسانه های خبری دولتی است و کسانی هم که خواستار کتمان حقایقند از این شیوه استقبال می کنند اما شاید حقیقت چیزی غیر از این باشد.

درست است که روزگاری طالبان در ولایات شمال افغانستان بیش از هرجا، در قندز حضور فعال داشتند اما باید این حقیقت را نیز از نظر دور نداشت که این حضور، ناشی از محبوبیت آنان در میان مردم نبود بلکه آنان با حضور قدرت مند نظامی خویش در قندز به عنوان مرکز مهم پشتیبانی خط اول جبهه در برابر جبههٔ متحد، فقط برخوردار از حاکمیت نظامی بودند.

اگر بپذیریم که طالبان به قندز بازگشته اند، این بازگشت را باید از حضور آنان در قبل از حملهٔ نظامی امریکا به افغانستان متفاوت دانست. به این معنی که آنان در میان مردم جای پایی برای خویش تدارک نموده اند. زیرا بدون حمایت مردمی نمی توان در منطقه یی برای مدتی طولانی دست به عملیات چریکی زد. در این صورت لازم است تا دلایل این مقبولیت آنان را در عملکرد های دولت و نارضایتی مردم جستجو کنیم.

اما اگر طالبان و القاعده مجالی برای دست زدن به عمل در این مناطق ندارند-که گمان اغلب نیز همین است- پس این سوال به میان می آید که آیا به کار گرفتن نام طالب یا القاعده طفره رفتن از حقایقی نیست که عده یی سعی در کتمان آن دارند؟

اگر به این باور باشیم که طالبان بدون دستور پاکستان دست به هیچ کاری نمی زنند در آن صورت چگونه می توان باور کرد که آنان به کشتن اتباع کشوری دست بزنند که با پاکستان دوستی بسیار نزدیک بر بنیاد روابط استراتژیک دارد؟ به همین دلیل هم بود وقتی که خبر کشته شدن کارگران چینی از طریق رسانه های خبری به نشر رسید طالبان هرنوع دخالت خویش در این ماجرا را رد کردند.

آیا نمی توان در این واقعه پای منافع اقتصادی شرکت ها یا منافع استراتژیک کشورها را دخیل دانست؟

ما به این باوریم که هرقدر کنترل اوضاع بیشتر از دست دولت مرکزی خارج گردد، زمینه هایی جدید برای استفاده از افراد مسلح غیر مسؤول توسط باند ها و گروههایی به وجود می آید که لااقل در یک مورد، منافع همسو با طالبان یا القاعده دارند و آن این که یک دولت مرکزی قوی تهدیدی برای منافع آنان در افغانستان است.

این احتمال نیز به دور از امکان نیست که مافیای مواد مخدر با دست زدن به چنین اقداماتی درصدد ایجاد ناامنی باشد. یک دولت قوی و متعهد به اصول بین المللی در افغانستان برای این گروه نیز قابل قبول نیست زیرا منافع آنان را به خطر مواجه خواهد ساخت. بنا براین عوامل ناامنی در قندز را باید از زوایای دیگری نیز مورد توجه و دقت قرار داد.

واقعهٔ دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد مشکل ولایت غور است که واقعه یی ناگهانی نیست بلکه این رشته سر دراز دارد. قبل از واقعهٔ غور، ما شاهد وقایعی از این دست در ولایات فاریاب و جوزجان نیز بودیم. در آن موارد نیز نه تنها نیروهای حافظ صلح بین المللی در افغانستان ناظر بی طرف اوضاع باقی ماندند بلکه سفرای بعضی از کشور ها در جهت تضعیف دولت عمل کردند و گذاشتند تا والی فاریاب از این ولایت رانده شود. این خود مشوقی برای وقایع بعدی شد و ضعف دولت را به نمایش گذاشت.

اکنون دولت آقای کرزی با وضع بسیار بی سروسامانی مواجه گردیده است که نه توان دست زدن به اقدامی قاطع را دارد تا نیروهای محلی مخالف خود را سرجای شان بنشاند و نه قادر است با آنها به صورت مستقیم معامله کند. این سفرای کشور ها و ارگانهای سازمان ملل متحدند که به شکل وسیط داخل معامله می شوند. چنانچه چهار روزبعد از رانده شدن والی غور از این ولایت که به کشته شدن چندین نفر انجامید، دفتر یونیما از عادی شدن اوضاع در چغچران و از سرگیری کار دفتر ثبت نام انتخابات در این ولایت خبر داد. گویی مسأله یی مهم اتفاق نیفتاده است.

موقف آقای کرزی این است که دیگر دولت ائتلافی نخواهد ساخت اما مشخص نکرده است که برای مهار کردن مخالفت هایی از این دست، با چه تعداد از حاکم نشین های مستقل حاضر به معامله خواهد بود؟

په ځوانانو باندې دکیبلي سیستمونو دخپرونو اغیزې

بامیر

واټی نړۍ دجهانی کیدو په لور روانه ده، دنن دنیا هغه پخوانی نړۍ نه ده چی که په یو هیواد کی به خلك په نعمتونو کی ډوب و او دتمدن لوړی پوړۍ ته ئی وهلی. نو په بل هیواد کی به بیا خلکو دځناورو په څیر وحشی او وروسته پاتی ژوند درلوده. ننني نړۍ دساینس او تخنیك وسایلو او مصنوعی سپوږمکیو ډیره کوچنی کړی ده. که له یوی خوا نه دیوی وچی انسان دبل براعظم دانسان له ښو او بدو، غم او ښادی، جنګ او سولی نه، د ډله ییزو اطلاعاتی رسنیو له لاری ډیر ژر او آن په دقیقو او ثانیو کی سره خبرېږي نو له بلی خوا ګورو چی دهمدغو مصنوعی مخابراتی سپوږمکیو له لاری داسی کیبلی او انترنیتی شبکی او نړیوال نټ ورکونه فعاله دی، چی دخپلو بیلابیلو پروګرامونو له لاری ئی، په ټوله نړۍ فرهنګی یرغل کړی او په تیره بیا ځوان نسل ئی خپل یرغمل ګرځولی، او دی ته ئی اړ کړی دی چی شپه او ورځ 8مخ

کثرت گرایی افراطی

از زایش احزاب سیاسی تا افزایش کاندیداهای ریاست جمهوری!

محمدنسیم فقیری

مادهٔ سی وپنجم قانون اساسی کشور به اتباع افغانستان حق داده است تا مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل بدهند.

مادهٔ سوم قانون احزاب سیاسی "اساس سیستم سیاسی دولت افغانستان را مبتنی بردموکراسی وتعدد احزاب سیاسی" می داند.

در تاریخ افغانستان این نخستین بار است که به احزاب سیاسی اجازهٔ فعالیت داده می شود. گرچه قانون اساسی سال ۱۳۴۳ نیز این حق را به اتباع داده بود ولی به دلیل عدم توشیح وانفاذ قانون احزاب، مردم ما نتوانستند از حق مذکور استفاده نمایند وگروه های سیاسی تحت

در قانون اساسی سال ۱۳۵۵ داوود خان نیز سیستم یک حزبی "حزب انقلاب ملی" پیش بینی شده بود. باکودتای خونین هفت ثور، رژیم استبدادی جور، ستم، اختناق، ترور وسرکوب ویک حزبی حاکم گردید

نام "جریان" به فعالیت ادامه می دادند.

پس از اتصویب ونفاذ قانون احزاب سیاسی وآمادگی ها برای انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی، صحنهٔ سیاست افغانستان باظهور دو پدیده، بسیار گرم وحتی داغ گردیده است:

۱- زایش احزاب سیاسی

۲-افزایش کاندیداهای ریاست جمهوری

اول: زایش احزاب سیاسی

از مشخصات عمده وبارز دموکراسی یکی هم پلورالیسم سیاسی یا کثرتگرایی است که حتی وجود دموکراسی را بدون حزب وسازمان غیر قابل تصور می سازد.

پس از تحولاتی که در دونیم سال اخیر به وقوع پیوسته وشعارهای آزادی، دموکراسی، احزاب وانتخابات به صورت دوامدار زمزمه وگاه وبیگاه تکرار می گردد: تعداد زیادی از احزاب سیاسی تشکیل، اعلام و رسمیت یافته اند. در مورد موج فزایندهٔ تشکیل احزاب- که بدون شک نمونهٔ بسیار روشن کثرتگرایی افراطی است- ونشاندهی جنبه های مثبت ومنفی آن لازم است تا چند نکتهٔ اساسی مورد توجه قرار گیرد:

۱- مبارزه با تروریسم وافراطی گری، عمده ترین شعار جامعهٔ جهانی در شرایط حاضر می باشد ولی در کنار این که تعریفی روشن ودقیق از این دو مقوله ارائه نگردیده است؛ ارتکاب آن نیز به افراد، گروه ها وکشورهایی خاص، محدود ومنحصر گردانیده شده است! در حالی که لازم است تا ترور وافراطی گری در همه اشکال وانواع آن محکوم گردد واشخاص و گروه ها وکشورها وحتی یک سلسله اعمال واقدامات نیز نباید مستثنی قرار داده شود.

کثرتگرایی لجام گسیخته نمونهٔ تمام عیار وکاملاً زیانبار افراطی گری به خصوص درجامعهٔ افغانی است که بایست متوجه عواقب وخیم و خطرناک آن بود.

۲- بدبختی بزرگ ما این است که به نگاه دنیا و توقعات به اصطلاح جامعهٔ جهانی، کشور ها وسازمان های بین المللی بیشتر توجه داریم وآن را حایز اهمیت می دانیم تا خواست ها، نیازها و واقعیت های جامعهٔ خود مان! وبه دنباله روی از خواست ها وتوقعات دیگران عادت گرفته ایم تاکشانیدن دیگران به سوی خود و تفهیم نیازها و واقعیت های جامعهٔ افغانی به آنان!

۳- احزاب سیاسی با انگیزه ها ومحرکات مختلف ومتفاوت تشکیل می گردند ولی صرف نظر از کمیت و کیفیت آنان، گذشته وپیشینهٔ فعالیت های سیاسی در کشور می تواند تشکیل وتبارز احزاب را توجیه نماید:

با رویکار آمدن دولت مجاهدین وباوجود تعهد دولت مبنی بر آزادی مطبوعات وفعالیت های سیاسی وافتخار نداشتن حتی یک محبوس سیاسی، به دلیل ادامهٔ مداخلات خارجی وبغاوت های داخلی، زمینه وفرصت آن میسر نگردید تا احزاب سیاسی جدید شکل بگیرند واعلام موجودیت نمایند

گفتیم که باوجود صراحت قانون اساسی ۱۳۴۳ در مورد تشکیل احزاب، کشور ما شاهد تشکیل وفعالیت رسمی احزاب سیاسی نبود وباکودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ واستقرار دیکتاتوری داوود خان، همه فعالیت های سیاسی ومطبوعات آزاد ممنوع گردید. فعالان سیاسی وعمدتاً مربوط به جمعیت اسلامی افغانستان در مرکز و ولایات روانهٔ زندان گردیدند وفقط گروه های خلق وپرچم اجازه داشتند که جلسات دایر نمایند وبه پخش اعلامیه ها بپردازند. همچنین در قانون اساسی سال ۱۳۵۵ داوود خان نیز سیستم یک حزبی "حزب انقلاب ملی" پیش بینی شده بود.

باکودتای خونین هفت ثور، رژیم استبدادی جور، ستم، اختناق، ترور وسرکوب ویک حزبی حاکم گردید وهزاران تن ازافراد سازمان های اسلامی وسایر گروه ها را به صورت جمعی وانفرادی وبدون محاکمه به شهادت رسانید وهرعنصر مخالف ولو ساکت وغیر فعال را به عنوان ضدانقلاب، نیست ونابود کرد ویا به زندان افگند وحتی بررهبران وبلند پایگان حزب خود نیز رحم نکرد... این وضع تا سال های اخیر حاکمیت کمونیست ها ادامه یافت و اگر چه در یکی دو سال پسین زمامداری نجیب شعار آزادی وتشکیل احزاب سیاسی سر داده شد ولی حتی فراکسیون های مخالف در حزب دموکراتیک خلق وبعد حزب وطن نیز مجال نیافتند تاآزادانه فعالیت نمایند واقدام فوق را نمایشی وجهت اغفال مردم ومخالفان قلمداد نمودند!

با رویکار آمدن دولت مجاهدین وباوجود تعهد دولت مبنی بر آزادی مطبوعات وفعالیت های سیاسی وافتخار نداشتن حتی یک محبوس سیاسی، به دلیل ادامهٔ مداخلات خارجی وبغاوت های داخلی، زمینه وفرصت آن میسر نگردید تا احزاب سیاسی جدید شکل بگیرند واعلام موجودیت نمایند.

ناگفته پیداست که در دوران طالبان نمی توان از احزاب سیاسی صحبت نمود وبالآخره پس از تحولات دونیم سال اخیر است که حزب وحزب سازی به اصطلاح مُد شده است! و این همانند متاعی جدید است که به بازار آمده وهیچ مانعی برای عرضه وتقاضای آن وجود ندارد وبرعکس، تشویق معامله گران داخلی وخارجی این بازار را گرم وگرم تر ساخته است.

۴- برخی به این باورند که انگیزهٔ تشکیل بعضی از احزاب فقط هوس سیاسی بوده و از روی تفنن وارد این بازار گردیده اند.

گروهی وسوسه وتحریک منابع خارجی را ذیدخل می دانند وحتی کاپی نام احزاب بزرگ کشورهای قدرت مند را به طور شاهد ومثال ذکر می کنند

ولی به هر صورت باقبول وپذیرش سیستم دموکراسی وجهت عملی شدن اصول واستحکام پایه های آن بایست احزاب سیاسی تشکیل ورسمیت یابند. زیرا احزاب سیاسی اند که به مثابهٔ آموزگاران رشد آگاهی سیاسی جامعهٔ مدنی می توانند مصدر خدمت گردند وبا تشکل وانسجام حزبی، افراد همفکر را در راه خدمت به وطن، دفاع از حقوق وآزادی های مشروع افراد، حاکمیت قانون، جلوگیری از استبداد وخودکامگی زمامداران وحکومت ها، ارائهٔ طرح ها وبرنامه های سالم ومفید، رهنمایی وانتقاد دولت ها و... بسیج نمایند.

بنا بر این لازم است تا جهت تحقق اهداف وخواسته های فوق، احزاب قدرت مند وفراگیر تشکیل شود تا بدین صورت مفید بودن ومؤثریت احزاب در جامعه ثابت گردد. در غیر آن با تشکل احزاب کوچک بی برنامه وبی محتوا، سیستم دموکراسی ضربه پذیر می گردد وباور و اعتماد مردم را از دست خواهد داد وچیزی جز بازی های مسخره وبی ارزش و ضیاع پول ووقت، وجنجال ها وکشمکش های فرساینده، دست آورد دیگری نخواهد داشت.

۵- هر حزب سیاسی دارای دو عنصر مهم واساسی می باشد:

۱- اهداف ۲- رهبری

متأسفانه که قانون اساسی وقانون احزاب(مواد ۳۵ و۶) فقط به عنصر اولی اشاره نموده وحدودی را برای آن مشخص ساخته است. یعنی این که مرامنامه واهداف حزب مناقض احکام واساسات دین اسلام نباشد و مادهٔ نهم قانون احزاب نیز علاوه بر شرایط مادهٔ ۶ فقط دو شرط دیگر را علاوه نموده است:

- تعداد اعضای آن حین ثبت کمتر از هفت صد نفر نباشد.

- عین نام حزب ثبت شدهٔ قبلی را اختیار ننموده باشد.

تاجایی که دیده می شود، رهبری چند حزبی که به تازگی تشکیل، اعلام ورسمیت یافته اند، به عهدهٔ کسانی است که از اعضای کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق واز بلند پایگان نظامی رژیم کمونیستی وحتی وزیر دفاع آن می باشند.

ناگفته پیداست که در دوران طالبان نمی توان از احزاب سیاسی صحبت نمود وبالآخره پس از تحولات دونیم سال اخیر است که حزب وحزب سازی به اصطلاح مُد شده است! و این همانند متاعی جدید است که به بازار آمده وهیچ مانعی برای عرضه وتقاضای آن وجود ندارد وبرعکس، تشویق معامله گران داخلی وخارجی این بازار را گرم وگرم تر ساخته است

جالب این جاست که وزیر محترم عدلیه با قاطعیت واحساسات فریاد برمی آورد که کمونیست ها ضد دموکراسی، ضد اسلام وضد بشریت وتوتالیتر هستند و اجازهٔ فعالیت ندارند و درحالی که در داخل وخارج از جنگ سالار وجنایت کاران جنگی سخن می رود.

بازهم وزارت عدلیه به کمونیست ها وجنایت کاران جنگی مجوز فعالیت می دهد!!

ادامه دارد

درس اخلاق

شهریار

از فراز فـــلک، غم وشادی
به زمین وزمان فـــرو بارد
وانهمه خازن مخازن غیـــب
بر طبق چیده درمـــیان آرد
بر سر ما گهی فـــرشتهٔ پاک
گاه دیو پلید بگـمارد
تابدایع نگار لوح وقلـــم
سرنوشت از چه نقش بنگارد
ساقی روزگار، ساغر شـــهد
چون نهد جـــام زهر بردارد
حکمران مشـــیت ازلی
تا برد بنده یا نگـــهدارد
بختیار آنکه درهـــمه احوال
نفس در اختـــیار خود دارد
نه به نعمـــــت به زور وزر نازد
نه به محنت به روز وشب زارد
ناتوان شـــد زبون کس نشود
ور تواناست کـــس نیازارد
گربه عزت سپر تـــواند شد
تن به ذلت به خاک نسپارد
نه به خرس وشغال صید شـــود
نه سر وموی شیر نـــر خارد
همه از پای خـــــلق خار کند
هـمه در باغ دهرگل کارد
وین مکافات خانهٔ کـــیهان
خیـــره و سرسری نینگارد

خوشهٔ عقل وحکمـــت اندوزد
خرمن عشق وهـــمت انبازد
جز به فرمان آفریننـــده
سر فرمان بری فرو نارد
گر فراغت کشـــید از او دامـــن
دامـــــن صبر وشکر نگذارد
دست فرزانگی اگر برتـــافت
پـــــای مردانگی بیفشارد
صخره باشد که موج وطوفانـــرا
هـــرچه بیند به هیچ نشمارد
نیک وبد جمـــله از خدا داند
وین جهان جـــاودان نپندارد

قلب تاریخ

سیمین بهبهانی

او"قلب تاریخ است"، محتاج دفتر نیســـت
او روح ایمان است، جز عین باور نیـــست
خورشید می جوشد، از سینه اش گویـــی
او غرق در نور است، در خون شناور نیست
شمعی میفروزید، برخشت بالینـــــش
کان چهره از خورشید، یک ذره کمتر نیست
او واژهٔ"فتح" است، نزدیک شد- بـــاری-
"نصر من الله" ات، بی او میسر نیســـت
او معنی"فضل" است، آری"مجاهـــد" را
قدری عظیم ازهست، بی این مقدر نیست
شمشاد گلگون است، روییده در خون است
درهیچ باغ اینسان، سرو وصنوبر نیســت
فرزند خورشید است، دلبند مهتاب اسـت
روشنگر گیتی است، تنها، زمادر نیســـت
برتارکش بنگر! چون ارغوان زخمـــی:
تاج شهیدان را، خون هست وزیور نیست
امسال، فروردین، شاید توانم دیـــد
باغی که آذینش، گلهای پرپر نیســـت
این عطر آزادی است، کز راه مـــی آید
آری، نسیم اینسان، هرگز معطر نیست

اخبار

عمران صلاحی

سرها
پایین
اما نه برای فکر کردن
قدها
دوتا
اما نه به خاطر تواضع
به به! چه ترانه یی، چه سازی
به به! چه صدای دلنوازی
پروانه فرار کرده از باغ
ابر آید وماه را فشارد
آهسته ونرم زیر دندان
کاین سکه تقلبی نباشد
درپای درخت ها تیرها
این بود خلاصهٔ خبرها

بدبيني سترګي

سورګل - خزان

سترګي لرم بې سترګو نه يمه زه
بلي، غټي غټي تکي توري دي
دبل عيب وينم خو دخپل نه وينم
چي نه ړندي او نه شبکوري دي
دخپل ګناه په ذره بين نــه ويشم
دبـل لغزش راته لوي غرښکاري
دتورو بنه کارته په بـــــده ګورم
خپـل هرڅه بـــد راته هنر ښکاري
توري عينکي چي پر ســـترګو کړمه
رنـــــه دنـــيا توره تياره وينم
چي دخپل زړه آيـــنه کـــــې وګورمه
ټول انـــــسانان آدم خواره وينم
ربه! درواخله دابـــــدبيني سترګي
په کار مي نه دي ظاهر بيني سترګي
پرځاي يې راکړه دوه نيك بيني سترګي
چي وي حق بيني واقع بيني سترګي

فلکلوريکه کيسه

کمزوري عقيده او مغلوبيت

ش - زيارمل

پــه پښـــوا وختونـــو کـــي انســـانانو ډول ډول عقيـــدي درلـــودي د اور، اوبـــو، ســـتورو او لمـــر، ژوو او ځينـــو نـــورو شـــيانو عبـــادت بــه ئـــي كـــاوه، وائـــي: داســـي يـــوه ســـتره قبيلـــه هـــم وه چـــي د ونـــو عبـــادت بـــه ئـــي كـــاوه او پـــه قدســـيت ورتـــه قايلـــه وه، خـــو د دوي پـــه منـــځ کـــي داســـي يـــو ســـړي پيـــدا شـــو چـــي دونـــي عبـــادت کـــول ورتـــه کفـــر او شرك معلوميده.

وائـــي بلـــه ورځ دغـــه ســـړي تبـــر پـــه اوږه کـــړ او دونـــي دوهلـــو پســـي روان شـــو. پـــه نيمـــائي لاره کـــي يـــو ســـړي پـــه مخـــه ورغـــي او پوښتنـــه ئـــي تـــري وکـــړه چـــي چيرتـــه ځـــي؟ دتبرګـــي والا ورتـــه وويـــل: دهغـــي ونـــي پســـي ځـــم او لـــه بيخـــه ئـــي وباســـم چـــي ټـــول خلـــك ئـــي عبـــادت کـــوي او کـــافر کـــړي ئـــي دي. ســـړي ورتـــه وويـــل زه هـــم دهمـــاغي ونـــي لـــه پيروانـــو عبـــادت کوونکـــو څخـــه يـــم، تـــه هيـــڅ حق نه لري چي ونه په تبرګي ووهي.

ددواړه لانجـــه شـــوه، يـــو دبـــل ګريـــوان تـــه لاس ور واچـــاره، پـــه پـــاي کـــي دتبرګـــي والا هغـــه بـــل ســـړي راڅمـــلاوه او غوښتـــل ئـــي چـــي وي وژنـــي،

نومـــوړي ســـړي بخښنـــه وغوښتـــه او ورتـــه لاس پـــه نامـــه شـــو، تبرګـــي والا بيرتـــه تبـــر پـــه اوږه کـــړ او دونـــي دوهلـــو پســـي روان شـــو. خـــو ســـړي لـــه لاســـه ونيـــو او ورتـــه ئـــي وويـــل: چـــي نـــن شـــپه زمـــا ميلمـــه شـــه، تـــر اوســـه خـــو زمـــا او ســـتا دښمنـــي وه خـــو اوس ورتـــه د دوســـتۍ قـــول ورکـــوم او ســـتا تـــرڅنګ دريږم.

تبرګـــي والا چـــي هـــم ســـتړي و او هـــم ونـــي تـــه درســـيدو لاره اوږده وه دهغـــه خبـــره ئـــي ومنلـــه دکـــور څښتـــن ښـــه مـــزه داره ډوډۍ تيـــاره کـــړه او ســـربيره پـــردي ئـــي يـــوه انـــدازه پيـــسي هـــم دســـوغات او تحفـــي پـــه ډول ورتـــه ورکـــړي. دکـــور خاونـــد دتبرګـــي والا دري شـــپي ســـر پـــه ســـر وســـاته او زياتـــه ميلمـــه پالنـــه ئـــي دهغـــه وکـــړه، پـــه څلورمـــه شـــپه ئـــي لـــه زيـــاتي ميلمـــه پـــالني او عـــزت وروســـته بيـــا هـــم دپيســـو يـــو بنډل ورتـــه تـــر بالښـــت لانـــدي کيښـــود چـــي ميلمـــه لـــه خوبـــه پاڅيـــد او خپـــل واســـکټ ئـــي اغوســـته نـــو پيســـي ئـــي هـــم پـــه بيـــړه په جيب کي واچولي.

کلـــه چـــي رســـخت کيـــده نـــو دکـــور خاونـــد ورتـــه وويـــل دونـــي وهلوتـــه دي نـــه پريـــږدم، بيرتـــه خپلـــه لاره ونيـــســـه او خپـــل کورتـــه لاړه شـــه، د تبرګـــي والا او دکـــور خاونـــد داخـــل بيـــا لـــه لفظـــي لانجـــي وروســـته ســـره لاس او ګريـــوان شـــول چـــي داخـــل ئـــي دتبرګـــي څښتـــن پـــه ځمکـــه راوويشـــت او پـــه خيټـــه ورتـــه کيښناســـت، دتبرګـــي والا مجبـــور شو، عذر ئي وکړ او کور والاته تسليم شو.

تبرګـــي والا ورتـــه وويـــل داڅـــه ســـبب دي چـــي اول مـــي تـــه څملـــولي او کلـــه چـــي مالـــه تـــا ســـره شـــپي وکـــړي ســـتاچرګان او پلونـــه مـــي وخـــوړل اوس دي زه څملولم؟

دکـــور څښتـــن ورتـــه وويـــل: مـــا وپيژنـــه زه ســـتا شـــيطان يـــم. داخلـــك ټـــول مـــا ګمـــراه او بـــي لاري کـــړي دي ددي ونـــي عبـــادت تـــه مـــاهڅولي دي، کلـــه چـــي ســـتا عقيـــده او ايمـــان محکـــم و، پـــه ماديـــاتو او بـــډو اخيـــستلو ملـــوث شـــوي نـــه وي نـــو تـــه غالـــب او زه مغلـــوب وم. خـــو کلـــه چـــي ســـتا نفـــس خـــراب شـــو او تـــه ئـــي بـــي لاري تـــه وګمـــارلي ســـتا وجـــدان او ايمـــان خيـــرن او کمـــزوري شـــول، نـــو دهـــدف پـــه لـــور دي تکـــل هـــم کمـــزوري شـــو، زه غالـــب او تـــه مغلـــوب شـــوي. دهمدغـــه راز بـــډو، اختـــلاس او تمـــي پـــه واسطه ډيـــر نيکـــان لـــه کمـــرو څخـــه ګـــوزار شـــوي او بي لاري شويدي.

طالبان به جای نیزه با راکت پیام فرستادند

عتیق وحدت

تقریباً یک سال پس از خروج روس ها از افغانستان بود که استفاده از راکت های اسکاد توسط رژیم کابل به یک امر معمولی در رویارویی با حملات مجاهدین، تبدیل شد. در همان زمان یکی از راکت های آتش شده از کابل در منطقه یی از پاکستان نزدیک یکی از کارخانه های تولید اسلحهٔ آن کشور اصابت نمود و مطبوعات پاکستان ضمن تبصره هایی متعدد بر این حرکت رژیم کابل، آن را نوعی هشدار تلقی نمودند.

جالب ترین عنوانی که با آن در مطبوعات پاکستانی برخوردم، چنین بود:

پیامی را که اسکاد انتقال داد!

نویسندهٔ این مقاله به حکومت آن وقت پاکستان مشوره داده بود که این پیام را باید جدی بگیرد. او نوشته بود که در قدیم الایام جنگاوران و مخالفان، نامه هایی را در نوک تیر و نیزه و پیکان بسته و به اقامت گاه جانب مقابل خود پرتاب می کردند، اما حالا زمان عوض شده است و جای آن نیزه ها را اسکاد گرفته است.

نویسنده گفته بود که اسکاد هیچ پیامی کاغذی با خود نداشت، اما بی پیام هم نبود و حد اقل اظهار نوعی مخالفت و یا اظهار موجودیت و دسترسی به خاک پاکستان را نشان می دهد و باید به آن توجه شود.

طالبان هم در هفتهٔ گذشته متأسفانه به جای نیزه برای انتقال پیام شان از راکت استفاده کردند. طبق نخستین گزارشی که رادیو صدای آشنا آن را نشر کرد، یک نفر در این حادثه کشته و یک نفر زخمی شده است.

پیامی را که این راکت انتقال داد، همانا اظهار موجودیت در اطراف کابل است. این اظهار موجودیت باید جدی گرفته شود. با آن که به جا گذاشتن یک نفر کشته و یک نفر زخمی هم می تواند بسیار تأسف انگیز باشد، اما اگر همین راکت در محلی مزدحم اصابت می کرد، می توانست ماتم بزرگ تری را سبب شود.

پیام اظهار موجودیت طالبان باید پاسخ بیابد. ما همه روزه شاهد برخی از انعطاف پذیری های بی مورد از جانب دولت در برابر طالبان و برخی دیگر از مخالفانی هستیم که به هیچ نوعی سر سازش با نظام را ندارند. طالبان میانه رو، طالبان بی گناه، طالبان مجبور تحت امر، طالبان بیچاره با احساسات برانگیخته شده توسط دیگران، طالبان خوب و ده ها توجیه دیگر که از جانب دولت، مطرح می شود گوش مردم را کر ساخته است. متأسفانه که ما در

عقل قاصر ما قد نداد تا بدانیم که ما به کدام طرف روان هستیم و چه می کنیم؟ دنیا تا چه وقت برای ما خواهد جنگید و ما چرا کوشش نکنیم تا روی پای خود بایستیم

طول بیشتر از پنج سال، هیچ طالبی را ندیدیم که کیبلش را در برابر مو سفیدان و زنان و حتی اطفال در بغل خود مانده باشد و از لت و کوب آنان خودداری کرده باشد. هیچ طالبی هم برخوردش را در برابر مردم چنان نساخت که فکر شود آنان با انسان ها مواجه هستند. تمام طالبان خوب و بد، طالبان میانه رو و تندرو، طالبان بی گناه و مقصر، طالبان فرمانده و طالبان مجبور تحت امر، همه شان یک گونه بودند. هیچ وزیر کابینهٔ طالبان به عنوان اعتراض استعفا نداد. یک فرمانده شان هم به مجاهدین نپیوست و هیچ حرکتی اعتراض آمیز از جانب هیچ طالب صورت نگرفت و اما ما در بند خوشبینی ها و خوشباوری های موهوم گیر آمده و آنان را به دسته های خوب و بد تقسیم می کنیم. این تقسیم بندی ها خطر نفوذ طالبان در دستگاه حکومت، در پایتخت و در مراکز شهر ها را بلند می برد و بسیار خطرناک است اگر آنان فرصت بیابند تا در صف دولت نفوذ کنند.

از طرف دیگر، اقدامات غیر استراتژیک و بی برنامهٔ دولت، مردم را دچار وسوسه و سردرگمی ساخته است. ما در حالی که با یک دشمن قوی مواجه هستیم، دشمنی که دنیا می خواهد در یک صف مشترک با آن مقابله کند، ما مشغول هستیم تا نیرو هایی را که با طالبان مقابله نمودند، خلع سلاح کنیم. تنقیص در اردو را عملی کنیم و قوای هوایی خود را به جای تقویه، کاهش ببخشیم. عقل قاصر ما قد نداد تا بدانیم که ما به کدام طرف روان هستیم و چه می کنیم؟ دنیا تا چه وقت برای ما خواهد جنگید و ما چرا کوشش نکنیم تا روی پای خود بایستیم.

رئیس دولت در یکی از صحبت های خود -شاید به مناسبت میلاد شریف پیامبر- گفت که در آستانهٔ انتخابات امکان بیشتر شدن حملات تروریستی و تخریبکارانه موجود است، اما معلوم نشد که جانب دولت هم اقدامات خود برای تأمین امنیت را بیشتر ساخته است یا خیر؟

کارمندان مؤسسات خیریه به قتل می رسند، راکت اصابت می کند و بی امنی دارد اوج می گیرد، اما ما چه می کنیم و چه تدابیری را روی دست داریم، معلوم نیست.

مبارزه با طالبان را نباید ساده گرفت. این مبارزه با تنقیص اردو به پیروزی نمی رسد. این مبارزه را حذف و لغو قطعات نظامی کامیاب ساخته نمی تواند، بلکه اتخاذ آمادگی های لازم و تجهیز اردو می تواند که تضمینی را برای آینده با خود داشته باشد.

بخواهیم و یا نخواهیم دولت انتقالی اسلامی افغانستان یک دولت ائتلافی است و این حرف را رئیس دولت هم تأیید می کند و به همین باور است. اما لازم است که تمام جناح های شامل در دولت، در رابطه به یک استراتژی واحد امنیتی و دفاعی به صورت مشترک و هماهنگ کار نمایند. مجاهد و غیر مجاهد در این میان نمی تواند مطرح باشد. مقاومتگران و غیر آن ها هیچ معنایی ندارد. امروز هر کسی که به آیندهٔ افغانستان و مردمش می اندیشد باید متوجه باشد و خوب درک کند که اختلاف در هر موردی می تواند قابل تحمل باشد اما در رابطه به مقابله با طالبان، هر گونه اختلاف و عدم هماهنگی به قیمت تمام آرزو های مردم تمام شده می تواند.

از هر گونه اقدامی که می تواند به حیث مرض ایدز ساختار موجود تلقی گردد باید اجتناب شود. می گویند که ایدز بیماری نیست، اما قدرت دفاعی را از بین می برد و وقتی که ویروس آن داخل وجود انسان شد، دستگاه دفاعی را از بین می برد و انسان را در برابر کوچک ترین امراض به اندازهٔ نهایی آن آسیب پذیر می سازد. طالبان خوب هم ایدز نظام اند و ما اگر این میکرب را به دست خود در دوران خون نظام زرق می کنیم باید مسؤولیت آن را هم بپذیریم. چه تضمینی وجود دارد که این گونه اقدامات نتواند خطرناک باشد؟

اگر درک درست از پیام راکتی طالبان داشته باشیم، باید حرکت های حساب ناشده و نسنجیده را کنار بگذاریم. باور داریم که امروز اگر قرار باشد مردم افغانستان از میان نان و امنیت یکی را انتخاب کنند، امنیت را انتخاب می کنند با آن که گرسنگی و احتیاج چندان به اوج رسیده است که هیچ جادهٔ اصلی و فرعی کابل بدون ده گدا نیست. بیایید ما هم به جای خواسته های شخصی و سلیقه یی خود، امنیت را ترجیح بدهیم و قمار زدن را کنار بگذاریم زیرا در این گونه قمار ها، خطر باخت بیشتر است و آن هم به شکلی که یک بار خواهیم باخت و همه چیز رااز دست خواهیم داد.

واشنګټن باید له . . .

ورځپاڼه تر ټولو بده خبره داګڼي چې طالبان دپاکستان سرحد ته نږدې په یو زیات شمیر سیمو کې مسلط دي او په آزاده توګه فعالیت کوي چې د دوي دغه بیا ځرګندېدل او په ډېرو سیمو باندې ئې کنټرول او بیا په دغو سیمو کې دترهګرو دکمپونو جوړېدل یو مسلم او واقعي خطر دي.

لاس انجلس ټایمز وړاندې لیکي: لکه څنګه چې له عراق نه معلومه ده بې امنیتي او ګډودي د لاریات امنیت دراوستلو تقاضا کوي ورځپاڼه په پای کې نړیوالي ټولنې ته خبرداري ورکوي او وائي دامریکا متحده ایالات او متحدین ئې او نور هغه هیوادونه چې پرعراق باندې ئې دیرغل مخالفت کړې دي، باید دې ټکي ته پام ولري چې له افغانستان نه بیا دالقاعده خاله جوړه نه شي او دهغو څلور اعشاریه څلور ملیاردو ډالرو ژمنه چې دمارچ په میاشت کې له افغانستان سره وشوه، باید ترسره شي او افغانستان ته دا ډاډورکړل شي، چې نړیوالي ټولني ئې دبیا رغاونې کلک هوډ کړې دي.

واشنګټن مخکې له دې چې دافغانستان دبیا ودانولو کار بوخای ته ورسوي پرعراق باندې یرغل وکړ امریک نور باید داسې څه ونه کړي چې پام ئې بلې خواته واړول شي او له کرزي سره مرسته ونکړي چې یو باثباته هیواد جوړ کړي.

کشته شدن یک جوان توسط نیروهای امریکایی

یک باشندهٔ ولسوالی بگرام روز پنجشنبه از سوی نیروهای امریکایی کشته شد

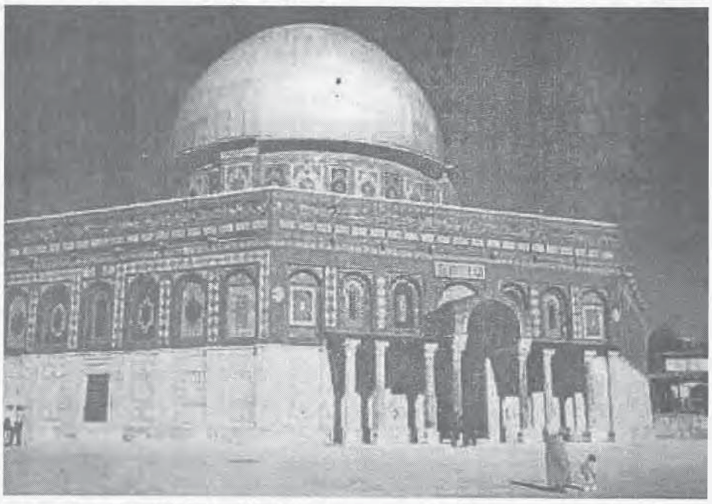
به نقل از شاهدان عینی، مجیب الله جوان ۱۹ ساله حینی که با برادرش در باغ خود مشغول کار بود از سوی نیروهای امریکایی مستقر در بگرام هدف گلوله قرار گرفت وبه قتل رسید. برادر او در این حادثه زخمی شده است. منابع رسمی نیروهای ائتلاف تاکنون در این باره اظهار نظر نکرده اند.

پیش از این، نیز حوادثی مشابه به این حادثه در برخی نقاط افغانستان به وقوع پیوسته است، که مقامات نیروهای امریکایی آن را یک اشتباه خوانده اند، اشتباهی که باعث تباهی یک شخص ویا تعدادی از افراد یک خانواده گردیده است.

تمدن اسلامی و پیش ساختهای زندگی

سید ناصر تقدسی

هیچ انسانی خردمند و با انصاف تردید نخواهد داشت که تمدن غرب ا زلحاظ اقتصادی ، فرهنگی و احیاناً اجتماعی ، در پیشرفت وشگوفایی زندگی وآسایش انسان، سهمی بارز وبه سزا داشته است، ودر برخی موارد ، دارای آثار وپیامد هایی مثبت ، زیبا وسازنده می باشد ، این حقیقتی است که بی تردید، ما آن را هر روز د رزندگی خویش وجوامع بشری لمس می کنیم . این تمدن ، به حق توانسته است زمینه هایی را برای انسان فراهم کند ، توانایی ها ، وسایل وامکاناتی را در اختیار وی قرار دهد که قبل برآن ، انسان آن را د ررؤیا هم ندیده بود ، امروز این تمدن سهولت ها وابا زیری را برای بشرآماده کرده است که در هیچ یکی ا زمدنیت های پیشین به چشم نمی خورد.



تمدن مادی غرب د رجهت استخدام تمام داشته ها ی گیتی وپدیده های طبیعی به سود انسان، به موفقیت هایی چشم گیر نایل آمده است .وگذشته از آن ، مدنیت غرب د رحال گذار به مراحلی بالاتر است ، تطور وپیشرفت آن به گونه یی معجزه آسا وبی مانند ، به پیش می رود، تاکنون در اکتشافات اتم وتجزیهٔ هسته ودیگر تجربه های تکنالوژیک ، پیشرفت هایی قابل توجه صورت گرفته است ، در زمینهٔ ارتباطات ورسانه ها پیشرفت به حدی است که جهان به همان پهنایی وگستردگی خود ، به قریه یی کوچک همانند شده است که اگر درآخرین نقطهٔ آن حادثه یی رخ دهد ، طی چند ثانیه یی محدود گزارش آن به تمام نقاط دنیا پراگنده می شود ومردم در جریان آخرین رویدادها قرار می گیرند ودر میدان طبابت وپزشکی امکانات ونیرو های مادی تا جایی پیشرفته است که برای بیماری ها ی مزمن وصعب العلاج نیز داروهایی ثمر بخش وخوب تهیه وتدارک گردیده است ، هم چنان در زمینهٔ علم طب وهندسهٔ ژنیتیک پیشرفت هایی صورت پذیرفته است ، به هر حال موضوع، تنها در همین جا خاتمه نمی یابد ، بلکه این مدنیت به جنگ فضا هم کمر بسته است و در حال حاضر رفتن به فضا و بیرون شدن از مدار زمین پیش غربی ها بیشتر به مسافرت از نیویورک تا لندن مشابهت دارد.

در همهٔ این پیشرفت های شگفت انگیز و سرسام آور ، این تمدن نقش ایفا کرده و ابنای بشر را یاری رسانده است.

ولیکن با تأسف تمدن غرب هر چیز پیرامون انسان را از لحاظ مادی ساخته، اما ساختن خود انسان را فراموش نموده است... چه این تمدن فقط تمدنی مادی است ، تمدن و سایل و ابزار است نه تمدنی دارای مبادی و هدف و معنویت.

از همین رو است که مجامع متمدن امروزین از مصیبت ها و مشکلاتی رنج می برند که تمدن از حل آن نا توان می باشد. تمدن غرب آثار و پیامد هایی نا گوار، از خود برجای گذاشته است که تلخی و مرارت آن را بشریت ، در زمانی بس دراز چشیده است و حالا هم در حال چشیدن است و در آینده ها نیز اگر وضع بدین منوال ادامه یابدو استکبار و زور گویی غرب بر ملت های ضعیف و جهان سوم متداوم باشد، تلخ کامی ها یی زیاد نصیب انسان خواهد شد! شواهد و قراین موجود می رساند که این مدنیت به ظاهر آراسته و فریبا در مراحل و اپسین خود ، در شکل و قالب جدید، بیشتر از پیش قباحت ها و نارسایی ها و پلشتی های بدتری را به همراه خواهد داشت.

درست، بسیاری از جوانب و ابعاد این تمدن، بر زندگی انسان سایه افگنده و خطری بزرگ و ضررهایی زیاد را بر فرا راه او شکل داده است، این مدنیت نابه سامان تمام قیود وحدود اخلاقی را از هم گسیسته و زندگی بسا از جوامع غربی را زیر خط انحطاط و رذیلت قرار داده است، امروزه بر دنیای غرب ، نوعی انارشی و از هم پاشیدگی خانوادگی فرمان می راند، و به صورتی اسفبار و سر سام آور ، آمار خودکشی بالا رفته است تا جایی که در کشوری مانند هالند، مردم اماکنی ویژه را برای انتحار اختصاص می دهند افزون بر آن بیماری های روانی ، اضطرابات و نابه سامانی های عقلی، زندگی تنهایی و عزلت آمیز و گوشه گیری از اجتماع و بر روی هم پرهیز از مشارکت در کارهای جمعی و ... حیات مردمان آن سرزمین را به چالش گرفته است و به همین ترتیب انتشار چشم گیر بیماری های جنسی ارتقای جرایم به اشکال ننگین و نکبت بار و سایر اعمال غیر انسانی مهم ترین مسائل و قضایایی اند که نظم زندگی را به فروپاشی تهدید می نمایند...!

بنا بر این ، می توان گفت که این تمدن عاری از معنویت ، بشریت امروز را در لبهٔ پرتگاه و آستانهٔ سقوط و فروپاشی قرار داده است.

جهان انسانیت همواره از مصائب وبلاهای این تمدن رنج برده است و حالا هم دارد از مرارت های آن ضجه می کشد و استغاثه سر می دهد.

بشریت امروز چشم به راه طلوع نوری بسته است که به مصاف تاریکی ها برود ... بشریت نیازی شدید، به تمدنی تازه احساس می کند... تمدنی که حلاوت ایمان و رسالت اسلام، برای انسان اعاده کند انسان امروز نیازمند ارزش ها و معانی بلندی است که فرق بین نژاد ها و ملیت ها را نمی شناسد ، بشریت به مدنیتی محتاج است که نفحات و حی الهی را با خود داشته باشد... تمدنی که فلسفه و رسالتش جدا از فلسفه و رسالت مدنیت غرب است . بشریت به تمدنی جدید ضرورت دارد که به انسان ایمان و باور می بخشد و خردش را از او سلب نمی کند... برایش دین وشریعت اهدا می کند ، دانش و علمش را نمی گیرد. . . به او روح و معنی اعطا می نماید و از بهره های مادی هم محرومش نمی دارد... برای او آخرت را عرضه می دارد و سهمیه دنیایی اش را نیز فراموش نمی کند... به آدمی اخلاق هدیه می کند واز آزادی هم بازش نمی دارد... بالاخر بشریت به تمدنی صاحب دین ربانی و صاحب رسالت جهانی نیازمند است ، انسان به دینی ضرورت دارد که طرف خطابش عقل و منطق است و از انسانیت انسان پشتیبانی می کند، دینی که در بر گیرندهٔ تمام ابعاد زندگی بوده و بر مبنای وسطیت و اعتدال استوار است افراط و تفریط در آن راه ندارد. . . بشر به دین و نظامی ضرورت دارد که آبروی تمام ملت ها و امت ها را پاس می دارد، دین کاملی که ضرورتی به فرضیه ها و تیوری های میان تهی وبی حقیقت ندارد، زیادت نقص و تعدیلی هم در آن نفوذ نخواهد داشت.

بشریت و جهان امروز به تمدنی نیاز می برد که میزانی دقیق برای واجبات و حقوق داشته باشد، و به ساختار نیرو و عدالت اجتماعی تشویق کند ، تمدنی که اصل مساوات و داد خواهی در سر خط اهدافش جا دارد و پدیده یی را بنام جنس و نژاد نمی شناسد، مدنیت میانه یی که در آن راستگرای افراطی و چپگرای لیبرالیست و جود ندارد.

این تمدن ، جز تمدن بزرگ و انسان ساز اسلام بوده نمی تواند، تمدنی که پا به پای سایر مدنیت ها به سوی بهتر شدن حرکت می کند، تمدن زیست باهمی و تمدن امنیت و تسامح و آسایش ، تمدن توازن و تکامل و ترقی در هر دو بعد مادی و معنوی.

آری ، تنها اسلام، بدیل و راه حل است، چه این دین از پایه ها و اساساتی بر خوردار است که به تنهایی خود، می تواند کاروان مدنیت آینده را به سوی هدفی مقصود هدایت کند و برای آدم هنر خوب زیستن و پیشرفت بیاموزاند، و اما این دین بزرگ از ما می طلبد که رسالت و پیام تمدن اسلامی را به گونه یی کامل به تمام ملت ها و امت های روی زمین به هر وسیله یی ممکن برسانیم و از خوبی های سایر مدنیت ها نیز در راه رشد وشگوفایی و بهتر شدن وضع زندگی انسانها و تشکیل جوامع سالم و نیرومند وبا معنویت بهره بگیریم، و از همین جا راه رفتن به طرف آینده یی خوب را به روی وطن و امت خود باز نماییم.

(ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم).

"خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد که خود آن قوم حال شان را تغییر دهند".

با تأسف تمدن غرب هر چیز پیرامون انسان را از لحاظ مادی ساخته، اما ساختن خود انسان را فراموش نموده است... چه این تمدن فقط تمدنی مادی است ، تمدن و سایل و ابزار است نه تمدنی دارای مبادی و هدف و معنویت

انتخابات آینده، بین شدن ونشدن

فیصل عبدالله

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در سفر اخیر خود وپس از بازگشت از آن بر برگزاری انتخابات در وقت معین آن تأکید ورزید.

او گفت برگزاری انتخابات عادلانه، نیازمند فضای امن است و جامعهٔ جهانی و دولت نیز مصممند در هنگام انتخابات امنیت را تأمین کنند.

برخی از حلقات سیاسی که بیشتر به اصطلاح احزاب دموکرات هستند با توجه به ناامنی های اخیر در افغانستان خواستار به تأخیر افتادن انتخابات پارلمانی شده اند.

آنان به این عقیده اند که اگر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس به صورت همزمان برگزار شود نماینده گان واقعی مردم کمتر می توانند به مجلس راه یابند.

اما حامد کرزی در این مورد گفت: دولتی که مجلس یا پارلمان نداشته باشد ناقص است.

او تأکید کرد که دولت تلاش می کند زمینه را برای برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و مجلس فراهم کند. در حالی که آقای کرزی مصمم است انتخابات را در اواخر تابستان امسال برگزار کند و از سویی هم به گفتهٔ او تروریستان تلاش می کنند مانع برگزاری انتخابات شوند و شبه نظامیان مانع دیگر بر سر راه انتخابات تلقی می شوند، تصمیم ناتو در اجلاس قریب القوع آن دراستامبول بسیار مهم است. حالا این پرسش نیز مطرح می شود که آیا آقای کرزی می تواند با شرکت در اجلاس ناتو آنان را به ارسال نیرو وامکانات بیشتر به افغانستان متقاعد کند؟

به نظر برخی از شرکت کنندگان در یک گردهمآیی در کابل در روز پنجشنبه ۲۷ جوزا، در شرایط کنونی ممکن نیست انتخابات به صورت عادلانه و دموکراتیک برگزار شود.

نورانی روزنامه نگار افغان و مدیر مسؤول هفته نامهٔ روزگاران می گوید در شرایط کنونی عواملی که مانع برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه می شود بسیار قوی تر و منسجم تر از دو سال پیش است.

در حالی که تاریخ برگزاری انتخابات نزدیک تر می شود دو گونه نظریه از جانب کسانی که موافق به برگزاری انتخابات در تاریخ معین می باشند و گروه مخالفان که به برگزاری انتخابات در زمان معین آن بنا بر علل علل و انگیزه هایی مختلف مخالفت می ورزند، عرض وجود کرده است.

نه تنها دیدگاه های موافق و مخالف در میان شخصیت ها ، احزاب و سازمان های ملی مطرح است بلکه عده یی از شخصیت ها و تحلیلگران اوضاع سیاسی افغانستان نیز دیدگاه هایی متفاوت ابراز می دارند . بارنت روبین یکی از تحلیلگران اوضاع افغانستان در یک گفتگوی مفصل که با رادیو بی بی سی داشت بنا برعلل و عوامل مختلف، بر به تأخیر افتادن انتخابات تأکید نموده است.

اروینده سیلوا سخنگوی سازمان ملل، هفتهٔ گذشته در نشستی با ژورنالیستان به برگزاری انتخابات در زمان معین آن تأکید نمود.

با ای جو سازی ها تاریخ برگزاری انتخابات در دایره یی از شک و تردید قرار دارد. مردم پس از سالیان دراز می خواهند هر چه زود تر زعامتی با مشروعیت بر مبنای ارادهٔ مردم تشکیل گردد و دیگر جایی برای تحمیل ارادهٔ افراد بر سرنوشت مردم وجود نداشته باشد.

به سلامت برفت و باز ...

یا تفاهم با مجاهدین را رد کرد. در همین حال در ولایت غور یکی از فرماندهان محلی دست به شورش زد و والی دولت مرکزی را از غور به هرات گریزاند! او خود اکنون در غور طبل فرمانروایی می کوبد.

حامد کرزی در ملاقاتی که روز ۲۷ جوزا در قصر سفید با جرج بوش رئیس جمهور امریکا داشت هردو طرف برمبارزه علیه تروریسم و مواد مخدر تأکید ورزیدند. در این ملاقات روند جمع آوری اسلحه و ملکی سازی نیز مورد بحث قرار گرفت و بر اهمیت آن در تأمین صلح و ثبات در افغانستان تأکید به عمل آمد.

در پایان این ملاقات هردو رهبر در یک کنفرانس مطبوعاتی که در چمن قصر سفید دایر شده بود به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. جورج دبلیو بوش خطاب به حامد کرزی گفت که من عزم و ارادهٔ خلل ناپذیر و مهارت شما در رهبری را تقدیر می کنم و اطمینان دارم که افغانستان تحت رهبری شما مبدل به کشوری خواهد شد که دیگر از آن تروریسم به جهان صادر نخواهد شد. در شب همان روز خبر کشته شدن بیش از ده نفر، در درگیری های غور در رسانه های خبری به تشر رسید.

رئیس جمهور امریکا در این کنفرانس خبری، پنج برنامهٔ جدید کمک برای افغانستان را اعلام نمود.

در مقابل، رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان از کمک های ایالات متحدهٔ امریکا به مردم افغانستان ابراز تشکر نمود. این در حالی است که آقای بشر دوست وزیر پلان فهرست عده یی از انجوهای استفاده جو را که مبالغ هنگفتی از کمک های جامعهٔ جهانی را تحت الجیب نموده اند غرض نشر به روزنامه های دولتی فرستاد اما از آنجا که بسیاری از این انجو ها مربوط به قدرت مندانی است که پیشهٔ شریف انجو سالاری دارند، روزنامه های دولتی از چاپ آن معذرت خواستند!

آقای کرزی در کانگرس امریکا نیز سخنرانی نمود و در آنجا از پیشرفت های دموکراتیک در افغانستان سخن گفت که مورد استقبال قرار گرفت. ذر صورتی که در کابل کاندیدا های ریاست جمهوری با تظاهراتی دولت کرزی را به نقض اصول دموکراتیک در انتخابات متهم کردند.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در راه بازگشت از آمریکا، سفری هم به تاشکند پایتخت ازبکستان داشت و در گردهمایی کشور های عضو همکاری حوزهٔ شانگهای شرکت نمود. در این کنفرانس حامد کرزی دیداری با هوجینتاو رئیس جمهور چین داشت. آقای کرزی در این دیدار از کشته شدن کارگران چینی در افغانستان ابراز تأسف نمود و مراتب تسلیت خود را به این مناسبت به مردم چین ابراز داشت. آقای کرزی گفت که حمله به کارگران چینی در حقیقت حمله به روند بازسازی در کشور ماست. ما آرزو داریم که کشور دوست ما چین با ما در بخش های کشاورزی و اعمار بند های آب و تولید انرژی برق همکاری نماید.

رئیس جمهور چین وعده داد که کمک های این کشور به افغانستان ادامه خواهد یافت و گذشته از کمک به سایر بخش ها به غرض تسریع روند ثبت نام در انتخابات نیز به این کشور کمک مالی خواهد نمود. در حالی که کار ثبت نام همچنان با کندی به پیش می رود به حدی که بارنت روبین با در نظر داشت دلسردی مردم از این روند، ابراز نظر نمود که انتخابات در شرایط فعلی به نفع افغانستان نیست و روزنامه های امریکایی در اثنای سفر کرزی به امریکا تبصره هایی در این خصوص داشتند که اگر در انتخابات کسی جز کرزی به قدرت برسد، امریکا دیگر به افغانستان کمک نخواهد کرد یعنی از همین ابتدا نتیجهٔ این انتخابات دموکراتیک را دوستان امریکایی مشخص کرده اند.

رئیس دولت در این سفر با اسلام کریموف رئیس جمهور ازبیکستان نیز ملاقات نمود و از این کشور تقاضا کرد تا در اعمار جاده ها، با افغانستان همکاری و مساعدت نماید. آقای کریموف به آقای حامد کرزی در جهت کمک به بازسازی افغانستان وعدهٔ کمک و همکاری داد.

مخفی گاه القاعده هدف نیروهای پاکستان قرار گرفت

نیروها و هواپیما های جنگی پاکستان روز۲۹ جوزا بر مخفی گاه های افراد مظنون القاعده در نزدیک مرز افغانستان حمله نمودند، این سومین حملهٔ نظامیان پاکستان برای بیرون راندن افراد خارجی القاعده از منطقهٔ قبائلی می باشد.

این حمله در دهکدهٔ بغار واقع در منطقهٔ قبایلی وزیرستان صورت گرفته است. براساس گزارش برخی از رسانه ها در این حمله که به وسیلهٔ جنگنده ها وهلیکوپترهای توپدار انجام شده است، یک مرکز تعلیمی و دوباب منزل متعلق به افراد مظنون القاعده تخریب گردیده است. قرار این گزارش منابع در این حمله ۵۵ نفر از افراد القاعده کشته شده اند.

شماری از جوانان خواهان به ...

اما در قطعنامهٔ آن برعدم برگزاری انتخابات به دلیل نبودن امنیت وخلع سلاح نشدن گروه های مسلح ومجال نیافتن کاندیداهای ریاست جمهوری به وسائل ارتباط همگانی دولت و ... تأکید شده است.

گفته می شود گردانندگی این کنفرانس را نهادی به عهده داشته است که بسته به آقای عبدالقیوم کرزی برادر رئیس دولت است. از این لحاظ برخی از تحلیلگران آن را جزئی از تلاش برنامه ریزی شده در جهت سبوتاژ برگزاری انتخابات می دانند.

صدور قطعنامهٔ آژانس ...

در همین حال، جک استرا، وزیر امور خارجهٔ بریتانیا گفت: "من از این که قطعنامه از ایران می خواهد باشفافیت وبه موقع با آژانس اتمی همکاری کامل کند وبه طور یک پارچه این موضوع به تأیید اعضای شورای حکام آژانس اتمی رسیده است، استقبال می کنم.

اتحادیهٔ اروپا، نیز روز ۲۹ جوزا در پایان نشست دو روزهٔ خود خواستارشفافیت کامل ایران در رابطه با برنامه های هسته یی این کشور شده است.

این اتحادیه همچنان قول داد تا به تلاش های خود برای عمیق تر کردن روابط با جمهوری اسلامی ادامه دهد.

ریچارد باوچر، سخنگوی وزارت امور خارجهٔ آمریکا، ایران را به فریب کاری متهم کرده است.

علی شمخانی، وزیر دفاع ایران، در واکنش به اتهامات امریکا علیه ایران گفت: امریکا صلاحیت متهم کردن کشورها به داشتن سلاح هسته یی را ندارد او با اشاره به بازرسی های آژانس اتمی از مرکز هسته یی ایران در یک سال ونیم گذشته گفت: ادعای امریکا غیرمنطقی و واهی است.

غور، آرامش ...

امنیهٔ ولایت غور که در حال حاضر فراری هستند خواسته است که به زودی وارد شهر چغچران شده به وظایف شان ادامه دهند. او همچنان تأکید کرد فرمانده سلام خان که شهر را در تصرف دارد نیز با والی غور کاملا همکار بوده و هیچ مخالفتی باوی ندارد.

بر اساس یک گزارش دیگر یک کندک اردوی ملی جهت تأمین امنیت، روز سه شنبه به ولایت زابل اعزام گردیده است.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارۀ دوازدهم چهارشنبه ۳ سرطان ۱۳۸۳ ۶ جمادی الأول ۱۴۲۵ - 23 June 2004

زابل، موجی تازه از درگیری وتشنج

براساس گزارشی از ولایت زابل د رجنوب افغانستان د رجریان رویارویی نیرو های دولتی ومخالفان آنان هفت تن کشته ودست کم یازده تن دیگر مجروح شده اند .

هر دوطرف در گیر این خبر را تأیید کرده اند.

این درگیری شب ۲۹ جوزا در ولسوالی میزان واقع د رشمال غرب ولایت زابل رخ داد که در جریان آن دوتن از سربازان دولتی کشته ودو تن دیگر از آنان مجروح شدند .

بر اساس اظهارات مسؤولان محلی در گیری حوالی ساعت یک شب ۲۹ جوزا آغاز شد و تا اوایل صبح ادامه یافت .

منابع وابسته به گروه طالبان مدعی اند که آنها ساختمان ولسوالی میزان را به دست گرفته اند . اما مسؤولان دولت این ادعا را رد می کنند .

بر اساس یک گزارش دیگر در ادامۀ حمله کوچی های مسلح در هزاره جات غزنی که از یک هفته پیش آغاز شد اکنون دامنۀ آن از هزاره جات بهسود به ناهور ولایت غزنی کشیده شده است. در حملۀ کوچی های مسلح به گفته شاهدان عینی دو تن از مردم محلی کشته و یک تن دیگر زخمی گردیده است.

از سرگیری فعالیت پزشکان بدون مرز در افغانستان

مؤسسۀ پزشکان بدون مرز MSF اعلام کرده است که فعالیت های خود در افغانستان را از سر می گیرد.

مسؤولان این سازمان در افغانستان می گویند که آنها به ارزیابی دقیق اوضاع نیازمندند و در حال حاضر نمی توانند فعالیت های شان را به سطحی که پیش از توقف در افغانستان داشتند گسترش دهند.

دوهفته پیش در اثر کشته شدن۵ تن از کارمندان این سازمان در ولایت بادغیس فعالیت های این سازمان به طور مؤقت تعطیل شده بود.

خانم ویکی هوکنز، رئیس دفتر این سازمان درکابل، گفت سازمان پزشکان بدون مرز بسیار علاقه مند است فعالیت خود را در افغانستان ادامه وگسترش دهد. اما این مسأله به اوضاع در افغانستان بستگی دارد.

ژان آرنولد :

په افغانستان کې امنيتي حالت د انديښنې وړ دی

دملګرو ملتو دسازمان دسرمنشي ځانګړي استازي ژان آرنولد په يو خبري کنفرانس کي دراتلونکو ټول ټاکنو، بي وسلي کولو او امنيتي ستونزو په باب خبري وکړي:

ده په کندز او بادغيس کي دبهرنيو کارکونکيو د وژني او لوګر په ولايت کي د راي ورکولو پرمرکزونو باندي د راکټي بريدونو يادونه وکړه او له نړيوالي ټولني څخه ئي وغوښتل چي دافغانستان دامنيت د تامين په اړوند دي جدي اقدامات تر سره کړي.

ده دناټو پر غړيو هيوادو چي په نږدي راتلونکي کي به په استامبول کي غونډه وکړي غږ وکړ چي دافغانستان امنيت ته دي په دغه غونډه کي ځانګړي اهميت ورکړي ځکه افغانستان له سختو امنيتي ستونزو سره مخامخ دي.

آرنولد: پخپل وقت دټول ټاکنو دتر سره کيدلو په باب وويل: داساسي قانون او دبن دټول ټاکني خنډول به مثبتي پايلي ونه لري.

صدور قطعنامۀ آژانس بین المللی انرژی اتمی در بارۀ ایران

کمال خرازی، وزیر امور خارجۀ ایران، از قطعنامۀ آژانس بین المللی انرژی اتمی در رابطه بافعالیت هسته یی این کشور، که روز ۱۸ جوزا در مقر



این آژانس در وین به تصویب رسید، انتقاد کرد، اما گفته است ایران به تعهدات خود در قبال این آژانس پای بند است.

در همین حال، جک استرا، وزیر امور خارجۀ بریتانیا، ازتصویب قطعنامۀ آژانس اتمی در رابطه بابرنامه های هسته یی ایران استقبال کرد و از ایران خواست با این آژانس به طور کامل همکاری کند.

آقای خرازی گفت: "نحوۀ برخورد آژانس اتمی بافعالیت های هسته یی ایران تنها از لحاظ تخنیکی نبوده است بلکه آژانس، تحت فشار محافل سیاسی، به ویژه آمریکا، عمل کرده است."

وزیر امور خارجۀ ایران افزود: "آژانس اتمی سازمان ملل اگر فقط از جنبۀ تکنیکی به برنامۀ هسته یی ایران پرداخته بود، پروندۀ ایران را بسته اعلام می کرد چون ایران مسائل اساسی اتمی خود را حل وفصل کرده است."

به گفتۀ کمال خرازی "توجه به مسائل جزئی وبزرگ جلوه دادن آنها برای مسموم کردن جو علیه ایران فقط می تواند ناشی از انگیزه های سیاسی ابرقدرت ها باشد ومتأسفانه آژانس اتمی تحت تأثیر این انگیزه های سیاسی قرار گرفته است."

وی در ادامه گفت: "مسائل کوچکی باقی مانده است که حل آنها به تلاش آژانس اتمی نیز بستگی دارد. ما شفاف عمل کرده ایم و اجازه داده ایم تمام بازرسی ها انجام شود ونیازی نیست این وضعیت غیر عادی ادامه یابد."

وی گفت: "ما در چارچوب تعهدات بین المللی خود با آژانس اتمی همکاری خواهیم کرد. اما تأکید داشت که جمهوری اسلامی ایران تعهدات جدید را نخواهد پذیرفت."

ص۷



په ځوانانو باندې دکيبلي سيستمونو ...

نړيوال تفريحي پروګرامونه ووينې او دنورې نړۍ دځوانانو تقليد وکړي.

زموږ په خوار او جنګ ځپلي هيواد کي ددغه راز نړيوال فرهنګي يرغل اثرات او منفي اغيزې خورا زياتي دي. ځوانان هڅه کوي چې هر ډول سنتي او رواجي او ورسره يوځاى دځپلي ټولني عقيدتي زنځيرونه وشلوي او ځان دلويديځ دځوانانو په هنداره کي ووينې.

دافغانستان ديندارې ټولني ته دغه راز نړيوال کيدل او فرهنګي يرغل د زياتي انديښنې سبب شوى، ځکه والدين، مربيون او دپوهنې چارپوهان فکر کوي چې ځوانان ئې ورځ په ورځ له چټي وځي، او هغې لارې ته روان دي چې پاى ئې کعبه نه بلکې بتخانه ده.

نن ورځ دکيبلي سستم او انټرنيټ له لارې دمبتذلو فلمونو او ځينو لوڅو او له انساني، اخلاقي معيارونو خالي صحنو ليدل او داسلاميت او انسانيت پرضد دځينو برنامو خپريدل زموږ دځوانانو په روحيه ژوره اغيزه کړې او ځوانان هڅه کوي چې ددغه راز پروګرامونو دليدلو له لارې دغربيانو په څير جامې واغوندي، دهغوى په څير بې قيده او آزاد ژوند وکړي، دهغو په څير سيل ځايونه او کاباري ولري، نشې وکړي، دهغوى په څير ويښتان جوړ کړي، لاکټونه او غاړه کې واچوي، لنډه دا چې ځوانان هيله لري دلويديځ والو فرهنګ سلو په سلو کې کاپي کړي او خپل ځانونه دهغوى په هنداره کې وګوري.

حال دا چې موږ دځپلې ټولنې د هغو تيونو د درملنې له پاره دپټې اينبودلو په لټه کې يوو چې داوږدې جګړې نه پيدا شوى دغه راز فرهنګي يرغل او يا دځوانانو پردې کيدل غندو او دهيواد له ټولو چارواکيو، مربيونو، دپوهنې وزارت له استادانو او والدينو څخه هيله من يوو چې دکيبل په ځينو ناوړو او له اخلاقو ضد چينلونو او ورسره يوځاى د انټرنيټ په ځينو پروګرامونو بنديز ولګوي او اجازه ورنه کړي چې زموږ تنکي ځوانان چې په ډير بحراني حالت کې ژوند کوي ددغه راز پروګرامونو تر اغيزې لاندې خپل افغانيت اسلاميت او اخلاق له لاسه ورکړي، هغوى بايد نيکې لارې ته وهڅول شي، لويان بايد هغوى ته داسې مهال ويش ورکړي چې له ټولو مخکې دځپلو ښوونځيو او پوهنځيو په پروګرامونو مصروف شي او خپل تفريحي وخت بيا په مثبتو او ګټورو تفريحي پروګرامونو ولګوي، نه داچې په افراطي توګه کيبلي او انټرنيټي پروګرامونو ته ډېره ولګوي او دپرديو تر اغيزې لاندې راشي.

زموږ هيله داده چې دښار په سينماګانو کې هم دغير اخلاقي او لوڅو فلمونو په ننداره کولو باندې دايمي بنديز موجود وي او داسې فلمونه وارد شي چې له هغو څخه زموږ ځوانان، د ژوند د پرمختګ او نيک مرغه کولو له پاره څه زده کړي نه داچې داخلاقي انحرافاتو او بې بندو باري سبب شي. موږ په دې برخه کې دافغان فلم له دولتي تصدۍ نه هيله لرو ټول هغه فلمونه چې له بهرنه وارديږي بايد دهغو غير اخلاقي او لوڅې صحنې او يا داسې برخې چې زموږ دځوان نسل په رواني بحران ناوړه اغيزه کوي سانسور او قطع شي او بيا د ښار سينماګانو او يا هم موزيک سنټرونو او دويډيو کستونو دوکانونو ته واستول شي.